



Research Article

A Review of the Qur'ān and Hadīth Principles for Order and Regularity and their Relation to Pure Life¹

Ali Asghar Faizipour

Level four seminary, Teacher of Department of Theology and Islamic
Studies, Farhangian University, Qom, Iran. a.feizipour48@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review order and regularity and their relation to pure life from the perspective of the Qur'ān and Hadīth. The method of study is descriptive analysis and the results showed that creating pure life and prosperous and righteous society is contingent upon decent and faithful acts. Evidence of righteous and faithful acts that pave the way for pure life is regularity in personal and social affairs. Accepting arrangement and sagacious cohesion is with a wise moderator. Pure life is a prosperous, meaningful, and purposeful life that moves towards the goal, optimal perfection, and wise moderator. From the view of the Qur'ān and Hadīth, order and regularity in pure life bring about physical and spiritual peace, give meaning to life, and create coordination with the excellent system of creation.

Keywords: Qur'ān, Order, Regularity, Pure Life, Giving Meaning to Life.

1. **Received:** 2021/03/13 ; **Accepted:** 2021/05/22

Copyright © the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>





بازآموزی مبانی قرآنی و حدیثی نظم و نظم‌پذیری و رابطه آن با حیات طیبه^۱

علی‌اصغر فیضی‌پور

سطح چهار حوزه علمیه، مدرس گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، قم،
ایران. a.feizipour48@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نظم و نظم‌پذیری و رابطه آن با حیات طیبه از منظر قرآن و حدیث می‌باشد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که ایجاد حیات طیبه و جامعه سعادت‌مند و صالح، مشروط به انجام اعمال صالحه مؤمنانه است. از مصادیق اعمال صالحه مؤمنانه و زمینه‌ساز حیات طیبه، نظم‌پذیری در امور فردی و اجتماعی می‌باشد. پذیرش آراستگی و پیوستگی حکیمانه با ناظم حکیم است. حیات طیبه همان زندگی سعادت‌مندانه، معنادار و هدفمندی است که به سوی غایت، کمال مطلوب و ناظم حکیم در حرکت می‌باشد. از منظر قرآن و حدیث، نظم و نظم‌پذیری در حیات طیبه، سبب آرامش جسمی و روحی، معنابخشی به زندگی و هماهنگی با نظام احسن آفرینش می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، حدیث، نظم، نظم‌پذیری، حیات طیبه، معنابخشی به زندگی.

۱. مقدمه

حرکت نظام آفرینش براساس حکمت الهی، به سوی غایتی خاص است (بقره، ۱۵۶). این حرکت حکیمانه، چهره دلپذیری از آفرینش ترسیم می‌کند (آل عمران، ۱۹۱). مبدأ و مقصد نظام هستی ذات اقدس الهی است (مؤمنون، ۱۱۵). انتظام و همبستگی جهان آفرینش، بیانگر هدفمندی، حکمت و نظم می‌باشد (احقاف، ۳) هدف زندگی، غایت و کمال مطلوبی بوده که با نظم‌پذیری، میسر است. در فرهنگ اسلامی، زندگی هدفدار، معنادار و منظم به حیات طیبه تعبیر می‌شود. حیات طیبه، همان زندگی پاک و معناداری است که به سوی ناظم حکیم در حرکت می‌باشد. شرط رسیدن به حیات طیبه، انجام اعمال صالح مؤمنانه است (نحل، ۹۷). از مصادیق عمل صالح مؤمنانه، نظم‌پذیری در امور فردی و اجتماعی است. فقدان نظم، حیات طیبه را دچار آشفتگی، و جامعه را به شقاوت می‌کشاند. جامعه‌ای سعادتمند است که در آن نظم حاکم باشد. نظم و نظم‌پذیری در دین اسلام ارزش ذاتی دارد. نگاه یک‌سویه به دین و جدایی‌انگاری نظم‌پذیری از ایمان و تقوا، موجب تزلزل باورهای دینی، و هرج و مرج و از هم پاشیدگی نظام فردی و اجتماعی می‌شود. تعهد به نظم و نظم‌پذیری، آشفتگی را برطرف می‌کند. تحکیم و نهادینه شدن نظم و نظم‌پذیری و رابطه آن با حیات طیبه، منوط به شناخت و به‌کارگیری درست آنها است. بازشناسی نظم و نظم‌پذیری و رابطه آن با حیات طیبه از منظر قرآن و حدیث از ضروریات می‌باشد.

قرآن، انتظام و غایت‌مندی جهان آفرینش را برای خردمندان آیه‌ای بر وجود خالق ناظم حکیم می‌داند (بقره، ۱۶۴). آفاق و آنفس را مظهر نظم و هدفمندی (ذاریات، ۲۰-۲۱) و نشان ناظم حکیم معرفی می‌نماید (ملک، ۳-۴). هر نوع آشفتگی را برخلاف سنت الهی (اعراف، ۷۴) و نظم را، عامل بیداری فطرت الهی می‌داند (غاشیه، ۱۷-۲۲). در سنت گفتاری و رفتاری چهارده معصوم (ع)، تقوی و نظم، دو یار همراه هستند (نهج البلاغه، نامه ۴۷). انسان منظم، نشان آراستگی دین و دیندار است (همان، ص ۹۳۶). نظم، نشانه وجود خالق مدبر، و خدشه‌ناپذیری (نهج البلاغه، خطبه ۹۱) آفاق و آنفس است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۱۵۲). در فرهنگ قرآنی، پذیرش دین حق (انفال، ۲۴) و انجام اعمال صالح مؤمنانه، سبب حیات طیبه خواهد شد (نحل، ۹۷). در فرهنگ حدیثی، حیات طیبه با قناعت (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹)، روزی حلال و پاک، سعادت، بهشت، رزق روزانه، اطاعت پروردگار، بی‌نیازی از خلق و نیازمندی به حق (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۵۹۳) معرفی شده است. هدفمندی رفتارها (آمدی، ص ۱۰۴، ۱۰۶)، برنامه‌ریزی و پیمایش آگاهانه، رهبری و مدیریت (نهج البلاغه،

خطبه ۴۰؛ حرانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۸)، از مؤلفه‌های نظم به‌شمار می‌آیند. التزام به باورهای دینی (مؤمنون، ۵-۱)، مسئولیت‌باوری (اعراف، ۱۷۹)، عدالت‌باوری (اعراف، ۷۴)، الگو‌باوری (احزاب، ۲۱)، نظارت‌باوری (علق، ۱۴)، تشویق و تنبیه (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، رفع نیازهای مردم (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، از چرایی وجودی نظم‌اند. نظم‌پذیری، سبب سرعت و اتقان (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، آرامش در امور (انعام، ۴۸)، تقویت روحیه و معنابخشی به زندگی و هماهنگی با نظام آحسن آفرینش است. حیات طیبه، از ویژگی‌هایی چون توکل و رهایی از پوچی (انفال، ۲؛ طلاق، ۳؛ رعد، ۲۸)، سیر معنادار به سوی کمال (بقره، ۱۵۶؛ نور، ۴۲)، الگو‌پذیری از انسان کامل (بقره، ۲؛ نساء، ۵۹)، خلّاقیت و محاسبه نفس (حشر، ۱۸؛ انفال، ۲۲)، آزادمنشی (بقره، ۲۵۶)، توجه به امور مادی و معنوی (قصص، ۷۷؛ حرانی، ۱۳۸۹، ص ۴۸۲) استفاده از نعمت‌های خدادادی، (اعراف، ۳۲) و پویایی و تحرك (بقره، ۱۵۵) برخوردار است.

۲. مفاهیم پژوهش

۱-۲. مفهوم‌شناسی نظم

۱-۱-۲. نظم در لغت

نظم همان آراستن (عمید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۹۰۹)، شعر گفتن، گفتار موزون، کلام منظوم (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۷۵۳) است. نظم، منظم، ناظم، انتظام، از انواع سخن می‌باشند (مشیری، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰۱). نظم‌پذیری، همان پذیرش آراستگی و پیوستگی حکیمانه با ناظم حکیم است.

۲-۱-۲. نظم در اصطلاح

نظم از سنخ معقولات ثانیه فلسفی است که مابه‌ازاء خارجی ندارد، اما منشاء انتزاع دارد (محمدرضایی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۵). برای انتزاع آن، باید اجزاء یک مجموعه به نحوی در کنار هم و در ارتباط با یکدیگر باشند که هدف مشخصی را تعقیب کنند. بنابراین، نظم را می‌توان چنین توصیف کرد، گرد آمدن اجزاء متفاوت با کیفیت و کمیت ویژه‌ای در یک مجموعه با ویژگی‌هایی چون همکاری، هماهنگی و همدلی که دارای هدف معین و مشترک باشند.

۲-۲. مفهوم‌شناسی حیات طیبه

۱-۲-۲. مفهوم‌شناسی لغوی حیات

حیات در لغت، در مقابل مَوْت و به معنای زنده بودن (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۱) زندگانی، زندگی،

زیست و عمر است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۹۲۲۳، ذیل ماده حیات؛ معین، ۱۳۸۷، ص ۳۵۸).
 راغب اصفهانی نیز می‌گوید: حیات یعنی نیروی رشددهنده گیاهان و حیوان، نیروی حس‌کننده، قوه و نیروی عمل‌کننده عاقله، شکوفایی و شادابی پس از اندوه، حیات جاودان اخروی، صفتی که خدای تعالی با آن توصیف می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۸).

۲-۲-۲. مفهوم‌شناسی اصطلاحی حیات

نیروی است که موجب بروز حس و تحرک در موجود زنده می‌شود و موجودات با آن خود را از نقص به کمال می‌رسانند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۹۲۲۳، ذیل ماده حیات).

۲-۳. مفهوم‌شناسی طیبیه

۲-۳-۱. مفهوم‌شناسی لغوی طیبیه

طیبیه یعنی، پاک، حلال (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۲۷)، پاکیزه، طاهر، خوب، نیکو، روا، خوشبو شدن، معطر، خالص (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۵۵۹۳، ذیل ماده طیبیه؛ معین، ۱۳۸۷، ص ۵۹۷).

۲-۴. مفهوم‌شناسی حیات طیبیه

۲-۴-۱. مفهوم‌شناسی لغوی حیات طیبیه

حیات طیبیه، رزق و روزی حلال و بهشتی (سیاح، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۶۲)، زندگی پاک و بهشتی، زندگی همراه با شناخت و ایمان به خداوند، انجام دادن طاعات، چشیدن شیرینی طاعت، توفیق بر انجام دادن آن، استغناء از خلق، روی آوردن به خداوند، صادق بودن در برابر وی، قناعت، بهشت و سعادت است.

۲-۴-۲. مفهوم‌شناسی اصطلاحی حیات طیبیه

حیات طیبیه، همان زندگی پاکیزه و خالصی است که از هر پلیدی و آلودگی مبرا می‌باشد. علت اینکه چرا قرآن آن زندگی را با وصف طیب توصیف فرموده، چون حیاتی خالص است که خبثاتی در آن نیست (طباطبائی، ۱۳۹۴، ج ۲۴، ص ۴۹۴). این ترکیب وصفی امیدآفرین، ثمره رفتار مؤمنانه مردان و زنان است. قرآن کریم زندگی هدفدار و معنادار را به حیات طیبیه تعبیر می‌کند و عبارت است از، غایت و کمال مطلوبی که برای انسان در نظر گرفته شده و می‌بایست در حدود توانایی و امکانات خویش برای وصول به آن سعی و کوشش کند (فیضی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

۳. مبانی نظم

۳-۱. مبانی قرآنی

قرآن، در آیاتی بر نظم موجود در پدیده‌های مختلف جهان آفرینش تأکید دارد. انتظام و غایت‌مندی موجود در جهان خلقت آیه و نشانه‌ای بر خالق ناظم حکیم است.

۳-۱-۱. جهان آفرینش، نماد نظم برای خردمندان است

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ مَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره، ۱۶۴)، «بی‌تردید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریاها [با جابه‌جا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روانند و بارانی که خدا از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده ساخته و در آن از هر نوع جنبنده‌ای پراکنده کرده و گرداندن بادهای و ابر مسخّر میان آسمان و زمین، نشانه‌هایی است [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای گروهی که می‌اندیشند».

هماهنگی و انتظام میان عناصر طبیعت، اجزای هستی و قوانین حاکم بر آن‌ها، نشان‌دهنده حاکمیت قادر حکیم ناظم است. آفرینش آسمان‌ها و توسعه دائمی آنها، استحکام، نظام حاکم، تناسب، ارتباطات میان هر یک، بی‌ستون بودن، حرکات ستارگان در مدارهای خود و فاصله هر یک از آنها، از نشانه‌های خالق قادر ناظم حکیم می‌باشد. بنابراین، شایسته و بلکه بایسته است از این آیات و نشانه‌ها و نظم حاکم بر آن‌ها در معنابخشی زندگی بهره‌مند شویم.

۳-۱-۲. آفاق و آنفُس، مظهر نظم و هدفمندی است

«وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ* وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات، ۲۰-۲۱)، «در زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است، و در وجود شما [نشانه‌هایی است] آیا نمی‌بینید؟». جویندگان یقین، نشانه‌های قدرت، حکمت و هدفمندی خداوند را در آفاق و آنفُس می‌یابند. در فرهنگ قرآنی، از شرایط هدایت یقینی و رسیدن به حیات طیبه تفکر در آیات طبیعت، کتاب شریعت و کتاب نفس است. شرط لازم برای درک نشانه‌های قدرت، حکمت و هدفمندی خداوند در آفاق و آنفُس و رسیدن به هدایت یقینی و قلب طیّب می‌باشد. پرورش قلوب طاهره از اعمال صالحه مؤمنانه بوده و از ثمرات اعمال صالحه مؤمنانه، حیات طیبه است.

۳-۱-۳. منظم بودن و خلل‌ناپذیری آسمان‌ها، نشان ناظم حکیم است

«الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ* ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ» (ملک، ۳-۴)، «آن‌که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش [خدای] رحمان، نابسامانی و ناهمگونی نمی‌بینی، پس، بنگر آیا هیچ نابسامانی و ناهمگونی می‌بینی؟ بنگر تا دیده‌ات در حالی که خسته و کم‌سو شده [و از یافتن نابسامانی و ناهمگونی فرومانده] و درمانده شده است، به سویت باز گردد». نظام آفرینش براساس رحمت خداوند و نظام احسن است. در نظام آفرینش و نظام احسن، نقصی وجود ندارد. منظم بودن و خلل‌ناپذیری نظام آفرینش و نظام احسن، نشانه نظم حکیمانه و ناظم حکیم است. تفکر و اندیشه‌ورزی در نظم حکیمانه و ناظم حکیم انسان را به حیات طیبه رهنمون می‌شود.

۳-۱-۴. فتنه، آشوب و بی‌نظمی، برخلاف سنت الهی است

«وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحَثُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف، ۷۴)، «و به یاد آورید که خدا شما را جانشینانی پس از قوم عاد قرار داد، و در زمین، جای [مناسبی] به شما بخشید که از مکان‌های هموارش برای خود قصرها بنا می‌کنید، و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید، پس نعمت‌های خدا را یاد کنید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید».

تحولات تاریخی و اجتماعی، براساس قوانین و سنت‌های الهی است. امکانات مادی زندگی از نعمت‌های خداوند است. شکرگزاری از نعمت‌های ویژه الهی چون سلامتی، مسکن، خوراک و پوشاک و... از اعمال صالحه مؤمنانه بوده و ثمره اعمال صالحه مؤمنانه، حیات طیبه است. کفران نعمت، سُکر قدرت، ثروت، شهوت و شهرت، از اسباب حیات خبیثه و از عوامل هرج و مرج روحی، جسمی و اجتماعی است.

۳-۱-۵. نظم در موجودات، عامل بیداری فطرت الهی است

«أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ* وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ* وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ* فَذَكِّرْ* إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ* لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشیه، ۱۷-۲۲)، «آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شد؟! و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده؟! و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده! و به زمین که چگونه هموار گشته است؟! پس تذکر ده! که تو فقط تذکردهنده‌ای! تو سلطه‌گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی!».

آفرینش آسمان‌ها، کوه‌ها، زمین، حیوانات و انسان‌ها، حکیمانه است. تفکر در جهان آفرینش منظم، از وظایف خردمندان بوده و عامل بیداری فطرت الهی، مشاهده خردمندانه نظم حکیمانه می‌باشد.

۳-۲. مبانی حدیثی

۳-۲-۱. تقوی و نظم، همراه همیشگی هستند.

امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «أَوْصِيكُمْمَا وَ جَمِيعَ وَاَلِدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمٍ أَمْرِكُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)، « شما (دو نفر) و همه فرزندان و خانواده‌ام و هر کس که نامه من به او می‌رسد را به تقوای الهی و نظم در کارتان توصیه می‌کنم». پیام راهبردی فرمایش حضرت این است که، از آثار فردی و اجتماعی تقوا، نظم و نظم‌پذیری بوده و انسان باتقوا یعنی، انسان منظم و انسان منظم یعنی، انسان متقی.

۳-۲-۲. احترام به حدود و مرزها ادب است

همچنین امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «فَصَلِّ الْأَدَبُ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ عِنْدَ حَدِّهِ وَ لَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۴۷)، «برترین ادب آن است که انسان حد خود را پاس دارد و از اندازه خویش پا فراتر ننهد، یعنی، نظم و نظم‌پذیری، همان، رعایت حد و حدود در امور مادی و معنوی، فردی و اجتماعی است. احترام به حدود و مرزها بیانگر ادب انسان می‌باشد. بنابراین، انسان منظم، همان انسان مؤدب است.

۳-۲-۳. آراستگی دین، زهد و دوری از هوس، نشانه انسان منظم است.

در جایی دیگر امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «نظامُ الدین مُخَالَفَةُ الْهَوَى وَ التَّنَزُّهُ عَنِ الدُّنْيَا»، «نظام و آراستگی دین، مخالفت کردن با هوی و هوس و دوری کردن از دنیا است» (همان، ص ۹۳۶)، یعنی، نظم‌بخشی به امور دینی و دنیوی، سبب آراستگی دین، و آراستگی دین، نشانه انسان منظم است.

۳-۲-۴. انصاف و مواسات، نظام دین است

امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «نظامُ الدِّينِ خِصْلَتَانِ؛ انصافُكَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مُوَاَسَاةُ اخْوَانِكَ»، «نظام دین دو خصلت است، از طرف خودت انصاف دادن، با برادرانت، برادری کردن» (همان، ص ۹۳۶)، یعنی، انصاف و برادری، موجبات نظم و انتظام در امور دینی و دنیوی را فراهم می‌سازد.

۳-۲-۵. استمرار احسان و مواسات روش بزرگواری است

امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «نظامُ الْكَرَمِ مُوَالَاةُ الْإِحْسَانِ وَ مُوَاَسَاةُ الْإِخْوَانِ»، «نظام و روش

بزرگواری، پی‌درپی کردن احسان و مواسات با برادران است» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۱، ص ۹۳۸)، یعنی، استمرار احسان و مواسات روش بزرگواری است. بنابراین، استمرار روش و رفتار بزرگوارانه موجب همبستگی و انتظام اجتماعی می‌شود.

۳-۲-۶. روش جوانمردی نشانه نظم است

امیرالمومنین (ع) فرمودند: «نظامُ الفتوة احتمالُ عثرات الاخوان، وَ حُسْنُ تَعَهُدِ الجيران»، «نظام مردانگی، تحمل کردن لغزش‌های برادران و نیکی کردن به همسایگان است» (همان)، یعنی، تحمّل کردن معقولانه لغزش‌های برادران و نیکی کردن به همسایگان، سبب برچیدن هرج و مرج روانی و اجتماعی می‌شود. از بین بردن این زمینه‌ها و تحمّل کردن معقولانه لغزش‌ها، روش جوانمردی است.

۳-۲-۷. نظم نشانه وجود صانع و اتقان صنع است

امیرالمومنین (ع) در این زمینه فرمودند: «كَفَى بَاتِقَانِ الصُّنْعِ لَهَا آيَةٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۱)، «در اتقان صنع (نظم در مخلوقات) نشانه کافی بر خداوند است»، یعنی، جهان خلقت، اتقان صنع و نظم در مخلوقات، نشانه ناظم حکیم است.

۳-۲-۸. نظم در آفاق و انفس نشانه خالق مدبّر است

امیرالمومنین (ع) فرمودند: «الْعَجَبُ مِنْ مَخْلُوقٍ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ يَخْفَى عَلَى عِبَادِهِ وَهُوَ يَرَى أَثَرَ الصُّنْعِ فِي نَفْسِهِ بِتَرْكِيْبٍ يَبْهَرُ عَقْلَهُ وَ تَأْلِيْفٍ يَبْطُلُ حُجَّتَهُ وَ لَعْمَرَى لَوْ تَفَكَّرُوا فِي هَذِهِ الْأُمُورِ الْعِظَامِ لَعَايَنُوا مِنْ أَمْرِ التَّرْكِيبِ الْبَيْنِ وَ لُطْفِ التَّدْبِيرِ الظَّاهِرِ وَ وُجُودِ الْأَشْيَاءِ مَخْلُوقَةً بَعْدَ أَنْ لَمْ تَكُنْ ثُمَّ تَحَوَّلَهَا مِنْ طَبِيعَةٍ إِلَى طَبِيعَةٍ وَ صَنِيعَةٍ بَعْدَ صَنِيعَةٍ مَا يَدُلُّهُمْ ذَلِكَ عَلَى الصَّانِعِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُوْ سِيءٌ مِنْهَا مَنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ أَثَرٌ تَدْبِيرٍ وَ تَرْكِيبٍ يَدُلُّ عَلَى أَنَّ لَهُ خَالِقًا مُدْبِرًا وَ تَأْلِيْفٌ بِتَدْبِيرٍ يَهْدِي إِلَى وَاحِدٍ حَكِيمٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۱۵۲)، «عجب است از آفریده‌ای که می‌پندارد خداوند از چشم بندگان مخفی است، در حالی که آثار صنع او را در ترکیب محیرالعقول و تألیف قاطع خلقت خود می‌بیند! به جانم سوگند، اگر در این امور بزرگ مانند ترکیب آشکار جهان و لطافت تدبیر ظاهر در آن، پیدایش مخلوقات از عدم و تحول آنها از طبیعتی به طبیعت دیگر و از نقشی به نقش دیگر بیاندیشید، دلایل وجود صانع را مشاهده خواهید کرد، زیرا، هیچ پدیده‌ای نیست، مگر اینکه در آن آثار تدبیر و ترکیب که دلالت بر خالق مدبر می‌کند، وجود دارد و تألیف مدبرانه آن، انسان را به خدای واحد حکیم رهنمون می‌سازد»، یعنی، در آفاق و انفس نظم وجود دارد. نظم در آفاق و انفس نشانه خالق مدبّر است. آفاق و انفس منظم، نشانه خالق مدبّر می‌باشد.

۴. مبانی حیات طیبه

۴-۱. مبانی قرآنی

۴-۱-۱. عمل صالح مؤمنانه، سبب حیات طیبه است

«مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷)، «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». علامه طباطبائی معتقدند، حیات طیبه، در گرو دینداری از طریق ایمان و عمل صالح است. همه انسان‌ها زندگی نیکو یا حیات طیبه را محصول عمل صالح و ایمان می‌دانند و فرمایند: وعده جمیلی است که به زنان و مردان مؤمن می‌دهد که عمل صالح کنند و در این وعده جمیل، فرقی میان زنان و مردان در قبول ایمان‌شان و در اثر اعمال صالح‌شان که همان احیاء به حیات طیبه، و اجر به احسن عمل است، نگذاشته، و این تسویه میان مرد و زن علی‌رغم بنائی است که بیشتر غیر موحدین و اهل کتاب از یهود و نصاری داشتند و زنان را از مزایای دینی و یا بیشتر آن محروم می‌دانستند، مرتبه زنان را از مرتبه مردان پایین‌تر می‌پنداشتند، آنان را در وضعی قرار داده بودند که قابل ارتقاء نبود. همچنین فرمودند: حیات طیبه‌ای که خداوند به زن و مرد نکوکردار وعده داده، حیاتی حقیقی و جدید است که مرتبه‌ای بالا و والا از حیات عمومی و دارای آثاری مهم می‌باشد. در جمله «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»، حیات، به معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است، پس این جمله با صراحت لفظش بر این دلالت دارد که خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند، به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد، مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می‌کند که اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد، زیرا اگر مقصود این باشد، کافی بود که بفرماید: ما حیات او را طیب می‌کنیم، ولی اینطور نفرموده، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می‌سازیم (طباطبائی، ۱۳۹۴، ج ۲۴، ص ۲۶۱-۲۶۲). شرط قبولی عمل صالح، ایمان است، نه، سن، نژاد، جنسیت، موقعیت اجتماعی، سیاسی. انجام اعمال صالحه، کافی نیست، عامل باید مؤمن باشد، زیرا، همراهی حُسن فعلی و حُسن فاعلی ضروری است. از نشانه‌های حیات طیبه، داشتن قلبی مطمئن، روحی مؤمن و خرد ناب می‌باشد. حیات و زندگانی، بدون انجام اعمال صالح مؤمنانه و خردمندانه، همانند مردگان است.

طبق آیه دوم سوره انفال، مؤمن کسی است که در زندگی فردی و اجتماعی خود از آیات الهی درس

گرفته و در حال رشد و پیشروی به سوی کمال است، «... وَ إِذَا تُلِّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا...» (انفال، ۲)، «حَيَاةً طَيِّبَةً» در مقابل «مَعِيشَةً ضَنْكًا»، یعنی زندگی سخت (طه، ۱۲۴) قرار داده شد. بدین معنا که، خود و دیگران را در حصن توحید، نبوت و امامت قرار می‌دهد و در این پناهگاه امن و بدون آفت، رشد می‌نماید و زندگی خود و دیگران را تنگنا و سختی قرار نمی‌دهد.

اینکه مدینه الرسول(ص) را حیات طیبه نامیده‌اند، شاید بدین جهت باشد که با ظهور دین اسلام و بعثت پیامبر اعظم(ص) مردم آنجا از بی‌معنایی، بی‌هدفی و ناامنی، به زندگی هدفدار، پاک، بهشتی و امن دست یافته‌اند.

۴-۱-۲. پذیرش دین، سبب حیات طیبه است

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال، ۲۴)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر(ص) را اجابت کنید! هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد! حیات، دارای اقسامی است، گیاهی، حیوانی، فکری، ابدی. مقصود از حیات در این آیه، حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و...، و حتی جهاد در راه خداوند است. حیات انسان، در ایمان و عمل صالح می‌باشد. اطاعت از فرامین الهی رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب است. طبق حدیث شریف، پذیرش ندای پیامبر اسلام(ص) در مسأله ولایت علی بن ابی طالب(ع) و اهل بیت(ع)، از مصادیق حیات طیبه می‌باشد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۹۹-۳۰۰).

۴-۲. مبانی روایی

۴-۲-۱. زندگی با قناعت

«وَسُئِلَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً، فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): هِيَ الْقَنَاعَةُ» (نهج البلاغه، حکمت، ۲۲۹)، «از امام علی(ع) سؤال شد، تفسیر آیه ... چیست؟ فرمودند: زندگی با قناعت است.»

۴-۲-۲. خرسندی از روزی قسمت شده

«عن الصادق (عليه السلام)، في قوله تعالى: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً، فَقَالَ (عليه السلام): «الْقُنُوعُ»، يعني «بسنده کردن و خشنودی نفس به آنچه از روزی و معاش قسمت هر فرد می‌شود.»

۴-۲-۳. رزق حلال و پاک

«قال ابن عباس؛ الرَّزْقُ الطَّيِّبُ»، حیات طیبه به «رزق حلال و پاک» تفسیر شده است.

۴-۲-۴. سعادت

«... قال؛ السعاده»، حیات طیبه به «سعادت و خوشبختی» تفسیر شده است.

۴-۲-۵. بهشت

«قال؛ أَنَّهَا الْجَنَّةُ»، حیات طیبه به «بهشت و رضوان» معنا شده است.

۴-۲-۶. رزق روزانه

«قال؛ أَنَّهَا رِزْقُ يَوْمِ بِيَوْمٍ»، حیات طیبه به «رزق روزانه» تفسیر شده است.

۴-۲-۷. حیات طیبه در قبر

«قال؛ إِنَّهَا حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ فِي الْقَبْرِ»، حیات طیبه به «زندگی پاک در قبر» تفسیر شده است.

۴-۲-۸. توفیق به اطاعت ربّ

«قال؛ تَوْفِيقَهُ إِلَى الطَّاعَاتِ فَإِنَّهَا تَوْدِيَةٌ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ»، حیات طیبه به «توفیق به اطاعت ربّ»

تفسیر شده که، انسان را به «رضوان الله»، یعنی، خشنودی خداوند که فوز عظیم است، رهنمون می‌شود.

۴-۲-۹. شیرینی اطاعت پروردگار

«قال؛ هِيَ حَلَاوَةُ الطَّاعَةِ»، یعنی، «یافتن شیرینی اطاعت پروردگار».

۴-۲-۱۰. استغناء از خلق و نیازمندی به حقّ

«قِيلَ؛ أَلِاسْتِغْنَاءُ عَنِ الْخَلْقِ وَالْإِفْتِقَارُ إِلَى الْحَقِّ» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۵۹۳)، حیات طیبه

به «بی‌نیازی از خلق و نیازمندی به حقّ» معنا شده است.

۵. مؤلفه‌های نظم و نظم‌پذیری

۵-۱. هدفمندی رفتارهای فردی و اجتماعی

هدفمندی شکل‌دهنده شخصیت انسان بوده و حصول آن مشروط بر حاکمیت نظم و نظم‌پذیری است. در جامعه هدفمند و منظم، استعدادها شکوفا و هدایت، و امید، سرزندگی، پویایی و حیات طیبه بدست می‌آید. هدفمندی، تردیدها، ترس‌ها، وسواس‌ها، سطحی‌نگری‌ها و حدودشکنی‌ها را کنترل کرده، اسباب شوق و انگیزه را در فرد و جامعه فراهم می‌آورد. امام علی (ع) فرمودند: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَنَّفَعَةَ الْخَيْرِ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْعَمَلِ بِهِ. مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَضَرَّةَ الشَّيْءِ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ»، «کسی که سود خیر را نشناخته باشد، توان عمل آن را ندارد، کسی که زیان کار بد را نشناسد، قادر بر خویشترداری از آن نخواهد بود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۱۸۶۷، و ص ۱۰۶، ح ۱۹۱۷).

۵-۲. برنامه‌ریزی و پیمایش آگاهانه

برنامه‌ریزی و پیمایش آگاهانه، همان شناسایی مسیر حرکت برای رسیدن به وضعیت مطلوب، بلکه موعود است. دوران‌دیشی، هدف‌گذاری عالمانه و برنامه‌ریزی آگاهانه، سبب رهایی از سستی، لغزش، دوباره‌کاری، بی‌نظمی، غم و اندوه می‌شود. امام رضا(ع) فرمودند: «هر کس کاری را از راهش بجوید، نلغزد و اگر هم لغزید، برنامه‌ریزی به شکستش نکشد» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۲۷، حدیث ۴). امام علی(ع) فرمودند: «بقای دولت‌ها در گرو برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۸۰۲۸). «مَنْ قَعَدَ عَنْ حِيلَتِهِ أَقَامَتُهُ الشَّدَائِدُ»، «کسی که از چاره‌اندیشی کار خویش بازنشیند، (و برای آن حرکتی انجام ندهد)، سختی‌ها او را به پا دارند (و گرفتارش کنند)».

۵-۳. رهبری و مدیریت

از عناصر نظم اجتماعی، رهبری و مدیریت است. هیچ جامعه و سازمانی بدون نظام مدیریتی به کمال نمی‌رسد. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «لَا يَدُّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰)، «مردم را حاکمی باید، نیکوکردار یا تبهکار، زیرا مدیریت است که می‌تواند نقش هدایتی، هماهنگی و نظارت را برعهده گیرد». امام رضا(ع) می‌فرمایند: «إِنَّا لَا نَجِدُ فِرْقَةَ مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مَلَّةَ مِنَ الْمَلَلِ بَقُوا وَعَاشُوا إِلَّا بِقِيمٍ وَرَيْسٍ لِمَا لَا يَدُّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۵۴)، «ما هیچ گروه و هیچ ملتی را نمی‌یابیم که پایدار مانده و زیسته باشند، مگر با سرپرست و پیشوا، زیرا در کار دین و دنیای خود از او ناگزیرند». علی(ع)، در پاسخ به مشاوره خلیفه اول جهت رفتن برای جنگ و ترک مدینه به این حقیقت اشاره نموده و می‌فرمایند: «و مکان القیم بالأمر مکان النّظام من الخرز یجمعه و یضمّه؛ فإن انقطع النّظام تفرّق الخرز و ذهب، ثمّ لم یجتمع بحذافیره أبدا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۶، ص ۱۴۱)، «جایگاه زمامدار در این کار، جایگاه رشته‌ای است که مهره‌ها را به هم فراهم آورد و برخی را ضمیمه برخی دیگر دارد. اگر رشته ببرد، مهره‌ها پراکنده شود و از میان رود، و دیگر به تمامی فراهم نیاید». تأثیر مدیر و رهبر بر جامعه آن‌سان است که می‌توان تغییر رفتار مردم و زمانه را بر این مدیریت حاکم دانست. امیرالمؤمنین(ع) از این حقیقت اینگونه تعبیر می‌نمایند: زمامدار همچون رودخانه پهن‌آوری است که رودهایی کوچک از آن جاری می‌شود. اگر آب آن رودخانه گوارا باشد، آب رودهای کوچک گوارا خواهد بود و اگر شور باشد، آب آنها نیز شور خواهد بود (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۱ق، ج ۲۰، ص ۲۷۹). پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (حرانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۸)، «مردم به فرمانروایان خویش شبیه‌ترند تا به پدرانشان».

۶. چرایی و فلسفه وجودی نظم

۶-۱. التزام نظری و عملی به باورهای دینی

از چرایی و عوامل ایجاد نظم، التزام نظری و عملی به باورهای دینی است. میان دین اسلام و نظم، هماهنگی تنگاتنگی وجود دارد. انسان مؤمن مصداق عینی و کامل انسان منظم است. آیات نخستین سوره مؤمنون، در بیان صفات مؤمنان به ویژگی‌هایی چون روی گردانی از لغو و بیهودگی، خشوع در عبادت، پرداخت زکات، پاک‌دامنی و امانت‌داری اشاره دارد. پایبندی به این اصول، درون و برون انسان را منظم می‌نماید (مؤمنون، ۱-۵).

۶-۲. مسئولیت باوری

جوهره اصلی انسانیت، احساس مسئولیت است. سیر آگاهانه برای رسیدن به حیات طیبه نیازمند انگیزه و احساس مسئولیت می‌باشد. قرآن، افراد بی‌مسئولیت را از فضای حقیقی انسان خارج می‌داند و افراد بی‌مسئولیت دوزخ‌نشین را اینگونه معرفی می‌نماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف، ۱۷۹)، «به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دل‌ها [عقل‌ها] بی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند!)». باورهای دینی به احساس مسئولیت صبغه دینی می‌دهد و در قوام‌بخشی آن نقش ایفا می‌کند. احساس مسئولیت ناشی از ایمان و باورهای دینی از انگیزه‌های مادی بادوام‌تر است.

۶-۳. عدالت باوری

عدالت یعنی، استقامت. در شریعت عبارت است از، استقامت بر طبق حَقِّ با اجتناب از آنچه در دین ممنوع است (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه عدالت). میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط را عدل گویند. به فرمایش امام علی (ع): «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»، «عدالت کارها را بدانجا می‌نهد که باید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). اقامه قسط و عدل و رعایت آن در امور فردی و اجتماعی حیات طیبه از وظایف مؤمنان است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء، ۱۳۵)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید!». عدم باور به این وظیفه از مظاهر و مورد نهی خداوند است. «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف، ۷۴)، «و در زمین، به فساد نکوشید!». عدالت باوری، فرد و

جامعه را از افراط و تفریط و بی‌نظمی دور می‌نماید و به حیات طیبه رهنمون می‌شود.

۴-۶. الگو باوری

معرفی الگوهای منظم، برای دستیابی به ویژگی‌های دینی از جمله نظم، از ضروریات است. قرآن کریم، حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص) را برای رسیدن به حیات طیبه، در همه امور اسوه حسنه می‌داند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱)، «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا (ص) سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند». «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه، ۴)، «برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت».

۵-۶. نظارت باوری بر رفتار خود و زیردستان

باور به اینکه عالم در محضر خداست و خداوند ناظر اعمال انسان می‌باشد، از زمینه‌های نظم‌پذیری است. در آموزه‌های دینی جهت نظم بخشیدن به رفتار فرد و جامعه، نظارت بر خویشتن، کارگزاران و کارمندان توصیه شده است. خداوند می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَرِي» (علق، ۱۴). امام صادق (ع) می‌فرماید: بر هر مسلمانی که به ما معرفت دارد، لازم است در هر روز و شب کار خود را بر خویشتن عرضه کند و به حساب نفس برسد. اگر کار خوبی دید، به دنبال بیشتر از آن باشد و اگر بدی دید، از آن استغفار نماید تا روز قیامت سرشکسته و رسوا نشود» (حرانی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۱). امام علی (ع) می‌فرماید: «ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثَ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). آن‌گاه در کارهای آنان [کارگزاران و کارگران] مراقبت دار و بازرس‌های راستگو و وفادار بر ایشان بگمار!».

۶-۶. تشویق خادمان و تنبیه خائنان

اگر خادمان و خائنان مساوی انگاشته شوند، جامعه دستخوش بدترین آسیب‌ها خواهد شد و آشفتگی جایگزین آراستگی خواهد شد. جامعه‌ای که در آن نظم حاکم نباشد، هیچ کاری به سامان نمی‌رسد. امام علی (ع) فرمودند: مبدا نکوکار و بدکردار در دیده‌ات برابر آید، که آن رغبت نکوکار را در نیکی کم کند، و بدکردار را به بدی وادار نماید (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۷-۶. رفع نیازهای مشروع و معقول مردم

تأمین نیازهای معیشتی و جلب رضایت مردم، از عوامل نظم و انضباط اجتماعی است. این امر موجب

رضایت، آسودگی خاطر، آرامش و دوری از پریشان‌حالی می‌شود. دغدغه معاش و نیازهای مادی زمینه تحقق نظم را تباہ می‌سازد. نیازمندی و فقر عامل گرایش به ظلم، بی‌نظمی و بی‌عدالتی می‌شود؛ امام علی(ع) فرمودند: «تَمَّ أَسْبَغَ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ، فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، «در وضع معیشت آنان گشایشی پدید آور، زیرا، این روش آنان را در اصلاح خود نیرو بخشیده و برای پاک‌سازی خود تشویق می‌کند و آنان را از دست‌درازی به اموالی که در اختیار دارند، بی‌نیاز می‌سازد».

۷. نقش آفرینی نظم‌پذیری در معنا بخشی به زندگی

۷-۱. سبب سرعت و اتقان در امور است

نظم‌پذیری در زندگی، آشفستگی و درهم ریختگی را از بین می‌برد. امور با سرعت، دقت و خدشه‌ناپذیر پیش می‌رود. امام علی(ع) فرمودند: «وَ أَمْضَ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ، فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، «کار هر روز را همان روز به انجام برسان، زیرا که هر روزی را کاری است».

۷-۲. آرامش در امور فردی و اجتماعی را در پی دارد

از آثار نظم‌پذیری، ایجاد زمینه برای آرامش فکر و روان است. خداوند، ایمان، یعنی، تنظیم درست اندیشه، رفتار و اصلاح امور را عامل برطرف‌کننده ترس و اندوه [عوامل ناآرامی و اضطراب] می‌داند. «وَ مَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (انعام، ۴۸)، «ما پیامبران را، جز (به عنوان) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نمی‌فرستیم. آنها که ایمان بیاورند و (خویشترن را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آنها است و نه غمگین می‌شوند».

۷-۳. روحیه و معنا بخشی به زندگی را تقویت می‌کند

امام علی(ع) فرمودند: «مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي ضَيْعَ الْحُقُوقِ، وَمَنْ أَطَاعَ الْوَأَشِي ضَيْعَ الصَّدِيقِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۹)، «آنکه زمام خود را به دست سستی سپارد، حقوق را خوار دارد، و آنکه سخن‌چین را پیروی کند، دوست را از دست بدهد».

۷-۴. نقش آفرینی حیات طیبه در معنا بخشی به زندگی

شرط رسیدن به حیات طیبه، عمل صالح مؤمنانه بوده و آرامش، نظم، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعادل، خدمت‌رسانی و خیرخواهی از مصادیق آن است. از نابسامانی‌ها و رنج‌هایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان‌گری، هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد، در امان است. منظور از حیات طیبه در قرآن غرق شدن در ذات باری تعالی است که به هر فرد

مؤمن به تناسب ایمان و عمل صالحی که انجام می‌دهد، مرتبه‌ای از آن اعطاء می‌شود و مفهوم آیه شریفه (نحل، ۹۷)، چنین است، هر فرد با ایمانی - مرد یا زن - که عمل صالحی انجام دهد، خداوند او را به حیات طیبی زنده، و او را غرق در ذات خود می‌نماید و علاوه بر این، بهترین پاداش‌ها را به آنها عطاء می‌فرماید (جوادی آملی، ۱۳۸۱).

۷-۵. زندگی را به خداوند متّکی و از پوچی رهایی می‌بخشد

توکل به خداوند، از بزرگ‌ترین عوامل رهایی از پوچی و از نشانه‌های حیات مؤمنانه است، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ... وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال، ۲)، «مؤمنان تنها کسانی هستند که ... بر پروردگارشان توکل دارند». «وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق، ۳). انسان هدفدار، از خدا غافل نیست. در زندگی فردی و اجتماعی به خداوند متّکی است و هرگز سرخورده و مأیوس نمی‌شود، بلکه با امیدواری و اطمینان قلب به سوی کمال گام برمی‌دارد. «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸)، «آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خداوند مطمئن (و آرام) است. آگاه باشید، تنها با یاد خداوند دل‌ها آرامش می‌یابد».

۷-۶. زندگی را معنادار و به سوی کمال سیر می‌دهد

حیات طیبه، از هدف و غایت برخوردار است. انسان مؤمن می‌داند که مبدأ و مقصدش خداوند، و پایان حیات آدمی به سوی اوست، «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶). «و لِلَّهِ الْمُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (نور، ۴۲)، «انسان مسلمان چون براساس تعالیم قرآن و سیره پیامبر(ص) و امام رهبری شده، سیر به سوی کمال دارد. گام به سوی آن برداشته و وجود خویش را کامل کرده است».

۷-۷. زندگی را رهبری کرده و از انسان کامل الگوپذیری می‌کند

زندگی قرآنی، زندگی رهبری شده، ضابطه‌مند، و مبرّا از شك و تردید است. براساس قرآن و تعالیم پیامبر(ص) شکل می‌گیرد. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَآرِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲). زندگی و طرز رفتار و کردار امام که انسان کامل است، خود الگو و معیاری برای شناخت راه در میان تاریکی‌های جهل و نادانی می‌باشد. قرآن بارها به پیروی از خط و مشی پیامبر(ص) و امام(ع) اشاره کرده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹).

۷-۸. زندگی، خلاق و آگاهانه، و با محاسبه نفس همراه است

انسان مؤمن، امروزش نسبت به دیروزش از ارزش والاتر و بالاتری برخوردار است. امام علی(ع)

می‌فرمایند: «ملعون من كان أمسه خيراً من يومه و مغبون من ساوی يومه»، «ملعون است کسی که دیروزش از امروزش بهتر باشد و مغبون است کسی که دو روزش مساوی بوده باشد. اگر انسان بخواهد به يك زندگی خلاق و آگاهانه دست یابد، باید مراقب اعمال، رفتار و نیت خود باشد. به محاسبه نفس پردازد که «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدّمت لعدی» (حشر، ۱۸)، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه کنید و هر کسی نگاه کند که برای فردای خود چه از پیش فرستاده است».

زندگی خلاقانه نیازمند اقدام حکیمانه است، و إلا فاقد ارزش خواهد بود. «ان شرّ الدوابّ عندالله الصمّ البکم الذین لا یعلقون» (انفال، ۲۲)، «قطعاً بدترین جنبندگان در نزد خداوند آنان هستند که (از گفتن و شنیدن حرف حق) کر و لال بوده و آنان کسانی هستند که تفکر نمی‌کنند».

۷-۹. زندگی آزادمنشانه را دریبی می‌گیرد

زندگی قرآنی زندگی آزادانه بوده و بندها از دست و پای آدمی گشوده شده است. می‌توان با آزادی عمل دست به انتخاب زد که «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» (بقره، ۲۵۶). در تفکر قرآنی نه تنها بندهای بیرونی، بلکه بت‌های درونی و عوامل رکودزای شخصیت، سخت مورد کنترل قرار گرفته‌اند. شیخ ما را درویشی سؤال کرد که یا شیخ! بندگی چیست؟ شیخ ما گفت: «خَلَقَكَ اللهُ حُرّاً كُنْ كَمَا خَلَقَكَ»، «خدایت آزاد آفرید، آزاد باش. گفت: یا شیخ! سؤال از بندگی است، شیخ گفت: ندانی تا از هر دو کون [جهان] آزاد نگردی، بنده نشوی؟!» (فیضی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

۷-۱۰. امور مادی و معنوی زندگی را توأمان می‌بیند

از منظر قرآن و حدیث، زندگی بدون توجه بعد مادی یا معنوی، بی‌معنا است. «وَلَا تَسْ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص، ۷۷)، «و بهره‌ات را از زندگی دنیوی فراموش مکن». امام مجتبی(ع)، به جناده فرمودند: «كُنْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، كُنْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۳۵)، «برای دنیایت چنان باش که گویی جاویدان خواهی ماند و برای آخرت چنان باش که گویی فردا می‌میری». از پیامبر اعظم(ص) نقل شده است که «أَصْلِحُوا دُنْيَاكُمْ وَ كُونُوا لِآخِرَتِكُمْ كَأَنَّكُمْ تَمُوتُونَ غَدًا»، «دنیای خویش را سامان دهید و برای آخرت خویش چنان باشید که گویی فردا می‌میرید. امام کاظم(ع) فرمودند: «لَيْسَ مَتَا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ» (حرانی، ۱۳۸۹، ص ۴۸۲)، «آنکه دنیای خویش را به بهانه دین و یا دین خویش را به خاطر دنیا رها کند، از ما نیست».

۷-۱۱. از نعمت‌های خدادادی استفاده مشروع و معقول می‌نماید

گوشه‌گیری و ترك دنیا در اسلام نیست. مسلمان باید از نعمت‌ها و مواهب الهی، که خداوند برای

بشر آفریده است، استفاده نماید. «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق» (اعراف، ۳۲)، «پیامبر، بگو چه کسی زینت‌های خداوند را که برای بندگانش آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟».

۷-۱۲. زندگی همواره پویا و متحرک است

از دیدگاه اسلام، زندگی انسان پویا و متحرک بوده و همه داشتن‌ها و نداشتن‌ها، جهت رشد، پویایی و تحرك است. «و لنبلونكم بشيءٍ و من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفوس و الثمرات و بشر الصابرين» (بقره، ۱۵۵). شرط پویایی و تحرك در زندگی و شناوری در آب حیات مادی و معنوی، سبک‌باری و سبک‌بالی است (نصری، ۱۳۸۲، ص ۲۴۱).

۸. نتیجه‌گیری

- انتظام و غایت‌مندی آفاق و آنفس، مظهر هدفمندی ناظم حکیم است.
- هر نوع آشوب و آشفتگی، برخلاف سنت و فطرت الهی می‌باشد.
- قرآن و حدیث، زندگی معنادار، هدفدار و مؤمنانه را، حیات طیبه می‌داند.
- حیات طیبه، مشروط به انجام اعمال صالحه مؤمنانه است.
- از مصادیق عمل صالح مؤمنانه، نظم‌پذیری و نظم‌مداری همراه با ایمان و تقوی است.
- نهادینه شدن نظم و نظم‌پذیری، منوط به شناخت و بکارگیری است.
- در فرهنگ قرآنی، پذیرش دین حق و انجام اعمال صالح مؤمنانه، سبب حیات طیبه است.
- در فرهنگ حدیثی، حیات طیبه با قناعت خرسندی از رزق حلال و پاک، بی‌نیازی از خلق و نیازمندی به حق معرفی شده است.
- هدفمندی رفتارها، برنامه‌ریزی و پیمایش آگاهانه، رهبری و مدیریت، از مؤلفه‌های نظم است.
- التزام به باورهای دینی، مسئولیت‌باوری، عدالت باوری، الگو باوری، نظارت باوری، تشویق و تنبیه، رفع نیازهای مردم، از روش‌های ایجاد نظم هستند.
- سرعت و اتقان امور، آرامش فکری، معنابخشی به زندگی و هماهنگی با نظام احسن آفرینش، از آثار نظم است.
- ویژگی‌هایی چون توکل، الگوپذیری، خلاقیت و محاسبه نفس، آزادمنشی و... فرد و جامعه را به حیات طیبه می‌رساند.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن ابی الحدید (۱۴۱۱ق). شرح نهج البلاغه. محقق محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: بنیاد فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ج ۲۰.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. تیمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۱). غرر الحکم و درر الکلم. ترجمه سعید راشدی. قم: پیام علمدار، چاپ چهارم.
۴. تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. شرح جمال الدین محمد خوانساری؛ مصحح سید جلال الدین محدث ارموی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ج ۲.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). قرآن در قرآن. قم: اسراء، چاپ سوم.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء تراث العربی، چاپ پنجم، ج ۲.
۷. حرانی، ابو محمد (۱۳۸۹). تحف العقول عن آل الرسول. ترجمه صادق حسن زاده. قم: انتشارات آل علی (ع)، چاپ دوازدهم.
۸. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). نزهت الناظر و تنبیه الخاطر. قم: مدرسه امام مهدی (عج).
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: انتشارات دانشگاه، ج ۶.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. بی جا: نشر الکتاب.
۱۱. سیاح، احمد (۱۳۷۳). فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد). تهران: انتشارات اسلام، چاپ شانزدهم، ج ۱.
۱۲. صدوق، ابی جعفر (۱۳۸۵ق). علل الشرائع. نجف: مکتبه الحیدریه، ج ۱.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دارالفکر، ج ۲۴.
۱۴. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی التفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه، ج ۶.
۱۵. عمید، حسن (۱۳۷۲). فرهنگ فارسی. تهران: چاپخانه سپهر، چاپ نهم، ج ۲.
۱۶. فیضی پور، علی اصغر (۱۳۸۹). اهداف آفرینش انسان از دیدگاه قرآن و حدیث. قم: انتشارات دانشکده اصول الدین.
۱۷. قرانتی، محسن (۱۳۸۱). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۴.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفاء، چاپ دوم، ج ۳.
۱۹. محمدرضایی، محمد (۱۳۸۳). الهیات فلسفی. قم: بوستان کتاب.
۲۰. مشیری، مهشید (۱۳۷۱). فرهنگ زبان فارسی. تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین. تهران: چاپخانه موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ج ۴.
۲۲. معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. تهران: نشر پارسه.
۲۳. نصری، عبدالله (۱۳۸۲). فلسفه آفرینش. قم: دفتر نشر معارف.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/riet.2021.8414.1029

فیضی پور، علی اصغر (۱۴۰۰). بازآموزی مبانی قرآنی و حدیثی نظم و نظم‌پذیری و رابطه آن با حیات طبیعه. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، دوره ۱، شماره ۳، ص ۶۱-۸۰.